



دکتر «طلال عتریسی» در گفت و گو
با «بیت المقدس»:
هدف از «خلع سلاح مقاومت»
افزایش نفوذ آمریکایکاو تأمین
امنیت صهیونیست هاست

۶



در رثای شهید لبنانی مدافع حرم
«ذوالفقار عزالدین»



باز سری به نیزه بلند است

۲

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس ◀ شماره ۷۴ ▶ سه شنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۸ ▶ ۶ ربیع الثانی ۱۴۴۱ ▶ ۳ دسامبر ۲۰۱۹

«هبه اللبدی» دختر تازه آزاد شده اردنی در گفت و گو
با بیت المقدس از زندان صهیونیست هاست می گوید

ناگفته های یک اسارت

۴



شجره طیبه بسیج و توان نهاد سازی اسلام سیاسی

محمد مهدی رحیمی



در حالی انقلاب اسلامی مردم ایران چهارمین دهه عمر خود را پشت سر گذاشته که منطقه‌های پرتلاطمی را می‌گذراند اما به اذعان همه کارشناسان و ناظران منطقه‌ای و بین‌المللی ایران جزیره آرامش در دریای متلاطم غرب آسیاست و حتی انحراف در اعتراضات آرام مردمی و به آشوب کشاندن آن‌ها که نمونه‌اش راهفته قبل در برخی مناطق کشورمان شاهد بودیم هم نمی‌تواند امنیت مثال زدنی این مرز و بوم را تحت الشعاع خود قرار بدهد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و شکل‌گیری یک سنگرم مقاومت ایدئولوژیک در برابر نظام سلطه جهانی بی‌تردید یکی از عمیق‌ترین و دامن‌دارترین تحولات سیاسی قرن بیستم بود. پس از وقوع این رخداد شگرف تلاش بسیار گسترده و سازمان‌یافته‌ای توسط قدرت‌های جهانی بالأخص ایالات متحده آمریکا برای مهار و نابودی آن آغاز گردید. زیرا انقلاب اسلامی فراتر از یک حرکت سیاسی، دربردارنده یک ایدئولوژی و جهان‌بینی بدیع، یک مدل حکومت‌داری ناشناخته اما توانمند و یک سبک زندگی نوین بود که به خاطر عدم وادمداری و سرسپردگی‌اش به ایدئولوژی‌های مسلط و نیز طرح آرمان‌های جذاب آزادی‌بخش می‌توانست برای ملت‌های جهان خصوصاً ملل مسلمان و ستمدیدگان بسیار مطلوب و قابل توجه باشد. همچنین انقلاب اسلامی به هیچ‌وجه خود را محصور در مرزهای جغرافیایی ایران نمی‌دانست بلکه داعیه جهانی داشت و عملاً به رویارویی با اردوگاه شرق و غرب برخاسته بود.

از سوی دیگر مساله صدور انقلاب و ظرفیت اشاعه آن به سایر کشورها نیز مطرح بود چرا که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جریان مقاومت اسلامی در جهان اسلام پا گرفت و ملت‌ها از ورطه ناامیدی و انفعال خارج شدند. این الگوگیری ملت‌های آزادی‌خواه از نسخه اسلام سیاسی ایران، هم برای موجودیت رژیم‌های دیکتاتور و سرسپرده شرق و غرب در و هم برای جایگاه هژمونی بر قدرت‌های پدید جدی به‌شمار می‌آمد که لاجرم باید از سر راه برداشته می‌شد. لذا از همان ابتدا سیاست راهبردی مهار و سپس نابودی انقلاب اسلامی در دستور کار ابرقدرت‌ها قرار گرفت. دلایل هراس دنیای غرب از اندیشه اسلام سیاسی را می‌توان به خوبی از رهگذر مقایسه این جریان فکری با سایر جریانات حاضر در منطقه طی دهه‌های اخیر مانند ناسیونالیسم جمال عبدالناصر در مصر یا پان عربیسم حزب بعث در عراق دریا بایم. هیچ کدام از این دو جریان مشهور علی‌رغم ژست‌های فریبنده‌شان نتوانستند توفیقات چندانی به دست آورند و خیلی زود بی‌آن که در ژرفای اندها ملت‌های منطقه رسوخ کرده باشند، در سراسیمه‌ی افول قرار گرفتند بنابراین قدرت‌های استکباری برای مهار آن‌ها با مشکل چندانی مواجه نگردیدند. ولی انقلاب ایران بیش از چهار دهه در مقابل انبوه حربه‌های برانداخته تاب آورده و مسیر اعتلای خود را مقتدرانه پیموده است. آنچه که ایالات متحده آمریکا و همسایان غربی‌اش را به هراس انداخته و آتش خصومت و کینه‌توزی‌شان را شعله‌ور می‌سازد، گفتمان اسلام سیاسی است که در نهضت امام خمینی (ره) تبلور یافته و ذاتاً مولد قدرت می‌باشد و پیروان خود را به مقاومت و جهاد علیه مستکبرین و نقش‌آفرینی فعال در عرصه سیاست فرامی‌خواند که امروز می‌توان رویش‌های آن را در فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن، بحرین، نیجریه و بسیاری از نقاط دیگر مشاهده کرد. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه می‌فرمایند: «آن‌چه آن‌ها از آن می‌ترسند و باید هم‌بترسند، ایران هسته‌ای نیست؛ ایران اسلامی است. ایران اسلامی است که در ارکان قدرت استکباری زلزله انداخته است» هفته‌ای که پشت سر گذاشتیم به نام «بسیج» مزین بود، شجره طیبه‌ای که امام خمینی (ره) سنگ بنای آنرا گذاشت و در طول چهل سال گذشته منشأ خدمات بسیار در حوزه‌های اجتماعی، آموزشی، آبادانی، نظامی و امنیتی بوده‌اند و جای جای ایران اسلامی اثری از فعالیت‌های بسیجیان دلاور دیده می‌شود. اما شاخ و برگ‌های این درخت تنومند به مرزهای کشورمان محدود نشده و امروز در کشورهای مختلف اسلامی نمونه‌های مشابه‌سازی شده از بسیج را شاهد هستیم. اهل فن و محققین به خوبی به تاسیس و نقش بسیج مردمی در سوریه و فعالیت‌های ویژه‌ای که در مسیر مبارزه با تروریسم تکفیری انجام داد، بافکنند.

این تنها یکی از صدها نمونه کارآمدی گفتمان اسلامی سیاسی در نهادسازی و سیاست‌گذاری روجه جلواست.



◀ آمار شو که کننده از وضعیت ناگوار کودکان یمنی در پی ۵ سال جنگ وزارت بهداشت یمن طی مراسمی، آماری شو که کننده از وضعیت فاجعه‌بار نوزادان و کودکان یمنی به دلیل پنج سال جنگ ائتلاف سعودی ارائه داد. وزارت بهداشت یمن اعلام کرد، پنج میلیون کودک یمنی از سوء تغذیه رنج می‌برند که بیشتر آنها زیر سن پنج سال قرار دارند؛ ۳۰ درصد از بیمارانی که برای درمان نیاز به سفر به خارج دارند، کودک هستند و دهها نفر از آنها می‌میرند. این وزارتخانه افزود: بیش از دو میلیون کودک در طول پنج سال جنگ به وبا مبتلا شده‌اند که حدود ۴۰۰ هزار نفر آنها فوت کرده‌اند. از هر هزار کودک زیر پنج سال، ۶۵ نفر به دلیل همین بیماری‌ها جان خود را از دست می‌دهند. وزارت بهداشت یمن تصریح کرد، در هر ده دقیقه یک کودک یمنی به دلیل سوء تغذیه می‌میرد و نبود خدمات بهداشتی منجر به مرگ شش نوزاد در هر دو ساعت می‌شود.

در رثای شهید لبنانی مدافع حرم «ذوالفقار عزالدین»

الهه آخرتی

باز سری به نیزه بلند است



روی سینه‌اش نشسته بودند و می‌خواستند سر از بدنش جدا کنند. همین که ذوالفقار فریادی می‌زد مرد ناشناسی که چهره‌اش مثل خورشید می‌درخشید و گرمای وجودش دل ذوالفقار را گرم می‌کند پیش می‌آید. صدایش تمام نگرانی‌های ذوالفقار را یکجا از دلش می‌زداید: «نترس درد ندارم، سر مرا هم بریدند». این دومین بار بود که ذوالفقار این خواب را می‌دید. حتی تمام جزئیات خواب‌هایش شبیه هم بودند. در همان حال که تمام فکرش با خواب عجیب اما به غایت شیرینی که دیده مانده است، رو به روی مادرش می‌نشیند و می‌گوید: «این آخرین ناهاری است که با هم می‌خوریم. برای دومین بار خواب دیدم... مادر اجازه نمی‌دهد ذوالفقار حرفش را تمام کند. فردا پسر هجده ساله‌اش برای دفاع از حریم اهل بیت راهی سوریه است و او هیچ دلش نمی‌خواهد وقت رفتن از این حرف‌ها بشنود. اما نشنیدن او چیزی را عوض نمی‌کند. ذوالفقار در همان اولین روزهای اوج گرفتن درگیری‌ها در غوطه اسیر می‌شود، تکفیری‌ها پس از چند پرسش و پاسخ پیش می‌آیند، روی سینه‌اش می‌نشینند و خواب تعبیر می‌شود.

به امیر مؤمنان (ع) خواهیم کرد. فرزندم خون تو ضامن من نزد خدا خواهد بود و باعث افتخار من است. فکر نکنید که با کشتن فرزندم طاقت مرا می‌گیرد... فکر نکنید که با بریدن سر فرزندم قلب زینبی مرا پاره می‌کنید... به خدا قسم که من منتظر بازگشت پیکر فرزندم هستم تا عطر سرورم زینب (س) را از آن استشمام کنم... می‌خواهم او را در سینه خود فشار بدهم و عطر شهادت را استشمام کنم... می‌خواهم بایستم و با صدای بلند

بغض مادر ذوالفقار همان روز که تصاویر تشییع محسن را در خبر تلویزیونی می‌بیند باز می‌شکند و یک بار دیگر از خدا جسد پسرش را می‌خواهد

بگویم خداوند این قربانی را از ما بپذیر... و خون تو را بر آسمان بریزم تا زهر (س) خون تو را بگیرد... پسر من قلب من برای تو بی‌تابی می‌کند و لکن زینب (س) با صبر خود بر قلب من دست کشید... پسر من هر روز منتظر بازگشت تو هستم تا بار یختن گل روی پیکرت عروسی تو را بگیرم... منتظر تو هستم و اشک‌ها مرا آتش می‌زنند. تهنیت پسر من که در بهشتی... تهنیت...»

چهار سال بعد قصه دوباره تکرار می‌شود. موبه مو، خط به خط. منتها اینبار در گذرگاه مرزی الولید در منطقه مرزی بین سوریه و عراق، به دنبال عملیات غافل گیرانه تکفیری‌ها محسن دیار دلیران به اسارت در می‌آید و چیزی نمی‌گذرد که خبر شهادتش منتشر می‌شود. دوباره در شام و به دست اشقیای سری به نیزه بلند شده است. خبر شهادت «محسن حججی» به اعتبار شیوه شهادتش، دوباره روی زخم دل مادر ذوالفقار نمک می‌پاشد. به یکی از همسایه‌شان که به واسطه یکی از اقوام به طور مداوم به ایران رفت و آمد دارد پیغام می‌دهد به مادر محسن بگوید: «من حال تو را می‌فهمم

و سنگینی باری که بر شانه‌هايت گذاشته شده را با تمام وجودم درک کرده‌ام. هر دو دلشکسته‌ایم اما سر بلند. همین که در قیامت سرمان از خجالت به زیر افکنده نباشد کافی است. ذوالفقار من و محسن تو که بهتر از پسر فاطمه نبوده‌اند». قصه همسان مادر ذوالفقار و مادر محسن اما چند ماه بعد تفاوتی با هم پیدا می‌کند. بعد از ماه‌ها انتظار پاره‌هایی از بدن محسن به ایران بر می‌گردد، باشکوه هر چه تمام‌تر روی دوش مردم ایران در چند شهر تشییع می‌شود و بالاخره در شهر و دیارش جایی در همسایگی مادر و خانواده‌اش دفن می‌شود. بغض مادر ذوالفقار همان روز که تصاویر تشییع محسن را در خبر تلویزیونی می‌بیند باز می‌شکند و یک بار دیگر از خدا جسد پسرش را می‌خواهد. یک سال بعد، درست در اولین سالگرد شهادت محسن حججی پیکر ذوالفقار بعد از پنج سال به لبنان باز می‌گردد تا بعد از یک تشییع باشکوه در زادگاهش شهر صور آرام گیرد.

قصه همان قصه بوده و هست. قصه سرهایی که بعد از شهادت مولایشان روی گردن‌ها سنگینی می‌کند و صاحبانشان از بدو تولد از مادران خود می‌شنوند که خون‌شان رنگین‌تر از خون امام شهیدشان نیست و آمده‌اند تا غلامی از غلامان حلقه به گوش این خاندان باشند. قصه ذوالفقارها و محسن‌ها قصه امام و مأموم است، قصه مردی و مردانگی. قصه جان‌هایی که هر کجا لازم باشد سپر می‌شود تا قصه پر غصه عاشورا که شعله‌های آتش غمش تا ابد در دل‌های شیعیان و تمام آزادگان عالم روشن است باز تکرار نشود. قصه سرهایی که در هر عصر و زمان مهمان نیزه‌ها می‌شوند تا روای حدیث «کل یوم عاشوراء و کل أرض كربلاء» باشند و مادرانی که ام وهب وار سر فرزند را به سمت دشمن ترتاب می‌کنند و با ارائه تفسیری تازه «چیزی که در راه خدا داده‌ایم را پس نمی‌گیریم» فریاد می‌زنند: «ما را بیت‌الا جمیلا»



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

قلب زمین

خوش خدمتی «خلیفه حفر» به آمریکا، فرانسه، سعودی و امارات

جنگ نیابتی محور غربی-عربی علیه «دولت وفاق ملی» لیبی



در حال حاضر قریب به ۸ ماه از درگیری‌های گسترده در لیبی سپری می‌شود؛ درگیری‌هایی که در نتیجه ترمز فرمانده ارتش این کشور یعنی «خلیفه حفر» علیه «دولت وفاق ملی» به ریاست «فائز السراج» به وقوع پیوست. هر چند که «خلیفه حفر» پیش از آغاز عملیات نظامی تجاوز کارانه علیه محور غربی لیبی یعنی شهر «طرابلس» پایتخت این کشور، مدعی شده بود که ظرف چند روز می‌تواند این شهر را از کنترل نیروهای دولت وفاق ملی خارج کرده و آن را تحت سیطره خود درآورد، اما این ادعا علیرغم گذشت قریب به ۸ ماه هنوز محقق نشده و البته در آستانه تحقق نیز قرار نگرفته است. حتی در طول ماه مبارک رمضان نیز «خلیفه حفر» حاضر نشد عملیات تجاوز کارانه علیه پایتخت لیبی را حداقل به صورت موقت، متوقف سازد؛ این درحالی است که دولت وفاق ملی با برقراری آتش‌بس موقت موافقت کرده بود. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که سلسله دخالت‌های طرف‌های خارجی در لیبی و حمایت‌های همه‌جانبه آن‌ها از خلیفه حفر عامل اصلی عدم پایان جنگ در شهر «طرابلس» در طول ماه‌های گذشته بوده است.

تلفات گسترده جنگ در شهر «طرابلس»

آمارهای منتشر شده درخصوص تلفات درگیری‌های نظامی در شهر «طرابلس» پایتخت لیبی به دنبال تداوم عملیات تجاوز کارانه نیروهای تحت امر «خلیفه حفر» حاکی از کشته و زخمی شدن شمار زیادی از افراد است. در همین ارتباط، سازمان بهداشت جهانی با انتشار گزارشی اعلام کرده است که تنها در ۴ ماهه نخست درگیری‌های نظامی در شهر «طرابلس» لیبی بیش از ۷۰۰ نفر کشته و ۴ هزار تن دیگر زخمی شده‌اند. بنابر اعلام این سازمان جهانی، در طول مدت مذکور همچنین قریب به ۱۰۰ هزار غیرنظامی نیز از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند. طبق اعلام سازمان بهداشت جهانی، شمار قربانیان و آوارگان جنگ «طرابلس» در ۴ ماهه دوم درگیری‌ها نیز به مراتب بیشتر شده است. این سازمان در گزارش خود همچنین تأکید کرده است که عملیات امداد رسانی به غیرنظامیان در «طرابلس» به دلیل شرایط جنگی با مشکلات و مضللات زیادی روبرو است و خودروهای حامل مواد غذایی، دارویی و بهداشتی امکان عبور از مناطق درگیری را ندارند. با تمامی این‌ها «خلیفه حفر» همچنان بر تداوم عملیات نظامی تجاوز کارانه در «طرابلس» اصرار می‌ورزد و حاضر به توقف آن نیست.

ناکامی نیروهای حفر در تحقق دستاورد میدانی

آخرین تحولات میدانی در شهر «طرابلس» حاکی از آن است که فرودگاه «سبها» در این کشور پس از مدت زیادی بار دیگر فعالیت‌های خود را از سر گرفته است. از سوی دیگر، سلسله عملیات‌های نیروهای تحت امر «خلیفه حفر» برای تسلط بر جنوب شرق شهر «طرابلس» ناکام مانده است. نیروهای دولت وفاق ملی لیبی اعلام کرده‌اند که توانستند حضور نظامی خود در محور مذکور را تحکیم بخشیده و مانع از سقوط نقاط استراتژیک «طرابلس» شوند. این درحالی است که نیروهای حفر برای تسلط بر منطقه «السبیعه» در جنوب شرق «طرابلس» تلاش

زیادی کردند. علیرغم اینکه نیروهای تحت امر فرمانده متمرد ارتش لیبی در طول مدت زمان گذشته نتوانستند دستاورد محسوسی را از رهگذر عملیات نظامی در «طرابلس» محقق سازند اما رجز خوانی‌های حفر علیه دولت وفاق ملی همچنان ادامه دارد. در همین راستا، فرمانده ارتش لیبی اخیراً در اظهار نظری مدعی شده است: «دیر یا زود وارد طرابلس خواهیم شد!» این اظهار نظر تعجب برانگیز درحالی است که نیروهای دولت وفاق ملی طی هفته‌ها و ماه‌های گذشته همواره در عرصه میدانی دست برتر را داشته‌اند. در همین حال، «فائز السراج» نخست‌وزیر دولت وفاق ملی لیبی نیز اعلام کرده است: «شکست نیروهای حفر در طرابلس به مسأله‌ای قریب‌الوقوع تبدیل شده است». براساس آنچه که گفته شد، روند تحولات میدانی در شهر «طرابلس» نشان از آن دارد که حتی با طولانی تر شدن جنگ و درگیری در این شهر، نیروهای تحت امر حفر راه به جایی نخواهند برد و دستاورد قابل ذکرى را به دست نخواهند آورد.

افشای حمایت تسلیحاتی مصر و امارات از «حفر»
همانطور که پیشتر گفته شد، «خلیفه حفر» فرمانده متمرد ارتش لیبی از حمایت‌های خارجی در نبرد «طرابلس» نیز برخوردار است. در همین ارتباط، اخیراً شبکه «الجزیره» در برنامه‌ای تحت عنوان «مسافت صفر» اعلام کرد که به یک سندسری از وزارت خارجه مصر دست یافته که نشان می‌دهد «خلیفه حفر» از نیروهای سودانی بهره می‌گیرد و این مسأله درحالی است که رئیس‌جمهور «چاد» نسبت به استفاده از نیروها به حفر هشدار داده است. «الجزیره» همچنین فاش کرد که پس از آغاز حمله «خلیفه حفر» به پایتخت لیبی، تصاویر ماهواره‌ای حجم وسیعی از ماشین‌آلات نظامی و مهمات جنگی را در پایگاهی نزدیک به شهر «السلوم» مصر که گذرگاه اصلی به سمت شرق لیبی است، رصد کرده‌اند. علاوه بر این، یک

مقامات ریاض بر خلاف متحدان دیگر خود یعنی قاهره و ابوظبی، حربه تازه‌ای را برای زمینگیر کردن نیروهای وابسته به دولت وفاق ملی در پیش گرفته‌اند

رد پای سعودی در حوادث «طرابلس»

عربستان سعودی نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین طرف‌های مداخله‌جو در لیبی محسوب می‌شود. با این تفاوت که مقامات ریاض برخلاف متحدان دیگر خود یعنی قاهره و ابوظبی، حربه تازه‌ای را برای زمین‌گیر کردن نیروهای وابسته به دولت وفاق ملی در پیش گرفته‌اند تا شاید از این رهگذر بتوانند ضمن سرپوش گذاشتن بر ناتوانی‌های نظامی نیروهای حفر، دستاورد میدانی محسوسی را نیز محقق سازند. حربه جدید عربستان

سعودی برای مقابله با دولت وفاق ملی، تسلیح گروه‌های سلفی - وهابی در لیبی و ارائه آموزش‌های نظامی به آن‌هاست تا بدین ترتیب، این گروه‌های سلفی دوشادوش نیروهای حفر و در صورت لزوم به نیابت از آن‌ها با نیروهای دولت وفاق ملی به مبارزه بپردازند. سعودی‌ها پیاده‌سازی این حربه خود را از «برقه» در شرق لیبی کلید زده‌اند و امیدوارند تا از رهگذر سوق دادن نبرد «طرابلس» به سمت یک نبرد ایدئولوژیک، زمینه‌های سیطره حفر بر این شهر را فراهم آورند.

حمایت تمام‌قد آمریکا و فرانسه از متجاوزان

افزون بر آنچه که گفته شد، آمریکا و فرانسه نیز از جمله طرف‌های بین‌المللی هستند که تاکنون حمایت‌های زیادی از حفر به عمل آورده‌اند. مقادیر نه‌چندان اندکی از تسلیحات نیروهای حفر ساخت آمریکا هستند که البته واشنگتن آن‌ها را از طریق واسطه‌های خود یعنی امرات‌های هادرات‌های حفر جای داده‌اند. حتی خبرگزاری آمریکایی «رویترز» به انتقال تسلیحات آمریکایی به لیبی اذعان کرده است. این خبرگزاری تأکید کرده است که تسلیحات آمریکایی موجود در لیبی همان تسلیحاتی است که واشنگتن پیشتر تحویل امارات داده بود. سناتور «باب مندنز» نیز پیشتر در نامه‌ای به وزیر خارجه آمریکا خواستار تحقیقات پیرامون کشف سلاح‌های آمریکایی در لیبی شده بود.

علاوه بر آمریکایی‌ها، دولت فرانسه هم تاکنون در زمینه ارائه کمک‌های نظامی و اطلاعاتی به نیروهای حفر نقش آفرینی کرده است. تجهیز اتاق عملیات حفر و تحت آموزش قرار دادن افسران وابسته به آن جزئی از این کمک‌ها محسوب می‌شوند. در همین حال، گفته می‌شود که هواپیماهای شناسایی فرانسه به صورت مستقیم اقدام به گشت‌زنی بر فراز پایگاه‌های نظامی نیروهای دولت وفاق ملی لیبی کرده و ضمن رصد دقیق تحرکات آن‌ها، اطلاعات جمع‌آوری شده را در اختیار حفر قرار می‌دهند. از سوی دیگر، ۴ ماه پیش بود که حدود ۷۰ نظامی فرانسوی از سوی دولت فرانسه به لیبی اعزام شدند تا به حفر در نبرد با دولت وفاق ملی کمک کنند. جملگی موارد یادشده نشان از آن دارد که در حال حاضر یک جنگ نابرابر از سوی خلیفه حفر به نیابت از محور غربی-عربی علیه دولت وفاق ملی در «طرابلس» در جریان است.

✦ اخراج یک هیئت صهیونیستی از دانشگاه کانادایی

دانشجویان کانادایی یک هیئت صهیونیستی را از دانشگاه خود در تورنتو اخراج کردند. منابع صهیونیستی اذعان کردند که دانشجویان کانادایی در دانشگاه یورک در ایالت تورنتو با ورود هیئت اسرائیلی با هدف سخنرانی در این مکان مخالفت کردند. بر اساس گزارش منابع صهیونیست، شماری از اعضای گروه موسوم به افسران ذخیره در جبهه اسرائیل در چارچوب هیئت رسمی اسرائیلی به کانادا سفر کردند تا در برابر دانشجویان یهودی دانشگاه یورک در باره آنچه در رویارویی های نظامی در نوار غزه رخ داد، سخنرانی کنند که با مخالفت دانشجویان کانادایی روبرو شدند.



«هبه اللبدی» دختر تازه آزادشده اردنی در گفت و گو با بیت المقدس از زندان های صهیونیست ها می گوید

مهرداد خلیلی

ناگفته های یک اسارت



از آنجایی که نمی خواستم سودی به صهیونیست ها برسانم از اقامت در هتل خودداری کردم، بعد از کلی جستجو یک کلیسا متعلق به مسیحیان را پیدا کردم که با خوش رویی از من استقبال کردند. نماز صبح را در مسجد الاقصی خواندم و چه صبحی بود صبح قدس اشغالی! به زیبایی صبح کوچه های قدیمی قدس تاکنون به خود ندیده ام. در خیابان ها و کوچه های من که آن ساعت خالی بود قدم می زدم، سکوت و آرامشی وصف ناشدنی بر محیط سایه افکنده بود تا هر چه قدر که می توانم از عشق به قدس سیراب شوم.

بعد از طلوع خورشید با ماشین به سمت اردن حرکت

❖ وقتی به زیارت مسجد الاقصی مشرف شدید چه احساسی داشتید؟ آن لحظات را برای ما توصیف کنید.

اولین باری که به مسجد الاقصی مشرف شدم سال گذشته به همراه خواهرم در ماه مبارک رمضان بود چون صهیونیست ها در ماه رمضان به خانم ها اجازه می دهند که در روزهای جمعه بدون سختگیری های امنیتی به زیارت مسجد الاقصی بروند. ساعت ۸ صبح از اردن حرکت کردیم و ساعت ۱۰:۳۰ به مسجد الاقصی رسیدیم. وقتی وارد مسجد الاقصی شدیم مانند بچه ها از خوشحالی جیغ می کشیدیم و شادی می کردیم. بعد از آن به سمت باب

را دنبال می کنم، من به تازگی بعد از گذراندن ۷۷ روز اسارت در بند رژیم صهیونیستی آزاد شده ام. از مقامات و مردم بزرگوار اردن و همه آزادگان دنیا که برای رسیدن به آزادی من راهم را می کردند تشکر می کنم.

❖ چگونه با آرمان فلسطین آشنا شدید و چرا به آن علاقه مند شدید؟

مسئله فقط آشنایی نیست، فلسطین در روح ما مدیده شده است، خانواده من بارها برایم گفته اند که فلسطین سرزمین ماست و صهیونیست ها آن را اشغال کرده اند، به سرعت برده اند و ما با همین اشغالگری بزرگ شدیم. من هیچ گاه فراموش نمی کنم وقتی ۱۳ ساله بودم دیدم صهیونیست ها چگونه «محمد دوره» طفل فلسطینی را در آغوش پدرش به شهادت رساندند. این صحنه در وجود من حک شد که تا ابد پاک نخواهد شد. من ذاتا از ظلم متفرم و بر همین اساس طبیعی است که به آرمان فلسطین علاقه داشته باشم و این علاقه را برای نسل های بعد به ارث بگذارم.

❖ اولین بار چه زمانی به فلسطین سفر کردید؟ چه احساسی داشتید؟

من از زمانی که طفلی کوچک در آغوش مادرم بوده ام تاکنون همیشه به فلسطین سفر کرده ام چون خودم را یک فلسطینی می دانم که وارد سرزمین خود می شود، من هر سال به فلسطین می روم و هر بار احساس می کنم که در زندانی بزرگ هستم که پر است از سلول و بازداشتگاه، از وجود چنین احساسی غصه ام می گیرد و دردی سوزناک در جانم ریشه می داند که چرا باید سرزمین من اشغال و مردم من تحت ستم باشند؟

اسم رژیم صهیونیستی همواره با اشغالگری و قتل و کشتار بی گناهان همراه بوده و زندان های این رژیم مملو است از حکایت های پر آه و درد مردم دیار فلسطین و مردم کشورهای منطقه که سالهای سال را پشت میله زندان های کینه بنی صهیون سپری کرده اند و اغلب آنها مانند نائل البرغوثی با هیبت یک جوان رشید پا به زندان های این رژیم نهاده و امروزه بیش از ۴۰ سال در بند این رژیم بی رحم را سپری کرده اند.

اما اخیرا دختر فلسطینی الاصل ساکن اردن به نام «هبه اللبدی» توانست با اراده پولادین خود زنجیر های به ظاهر سخت اما سست تر از خانه عنکبوت صهیونیست ها را در هم بشکند و این دژ خیمن قلدر ماب را مجبور به عقب نشینی و آزادی بی قید و شرط خود کند.

هفته نامه بیت المقدس مفتخر است بعد از گذشت کمتر از یک ماه از آزادی این بانوی آزاده گفتگویی مفصل را با او داشته باشد و مردم شریف ایران را با ناگفته های اسارت در بند رژیم صهیونیستی آشنا کند.

❖ لطفا خود را برای مخاطبان بیت المقدس معرفی کنید.

من هبه اللبدی هستم، شهروند اردنی باصالت فلسطینی و ساکن شهر السلط در غرب عمان پایتخت اردن و در رشته حسابداری از دانشگاه الاهلیه عمان فارغ التحصیل شدم و همواره خبر های روز و مسائل امت اسلامی

بعد از بازداشت اولیه به سوی زندان المسکوبیه منتقل شدم، آنجا چشم بندم را باز کردم و لحظاتی از دور قبه الصخره را مشاهده کردم، در اوج بازداشت شادی خود را پنهان نکردم

کردم، به محض اینکه کمی از قدس دور شدیم به یاد شعر «فی القدس» ناخود آگاه دلتنگ مسجد الاقصی شدم و به شدت گریه کردم و همواره آرزو می کردم زود تر به قدس بازگردم.

❖ چرا شمارا بازداشت کردند؟ صهیونیست ها چگونه با شما رفتار کردند؟ در ابتدا باید بگویم که اشغالگران با زشتی با من برخورد کردند، آزادی من را سلب کردند و از نظر روحی و جسمی

العمود و مناطق قدیمی قدس رفتیم. آن لحظه خودم را مانند پرندای دیدم که شوق پرواز داشت. آن روز لحظاتی باور نکردنی برایم رقم خورد. نماز ظهر را با زبان روزه در مسجد الاقصی خواندم و تا عصر در محوطه الاقصی ماندم تا نماز عصر را بخوانم و باید زود حرکت می کردم چون صهیونیست ها بیشتر از یک روز اجازه تردد نمی دادند، اما دوست نداشتم قدس را ترک کنم چون یک ندای مخفی به من می گفت بمان!

[قبله اول]

◀ ۸۰ درصد قربانیان ترور یسم مسلمانان هستند

«گیوم دساینتمارک در حاشیه کنفرانس بین المللی قربانیان ترور یسم در شهر نیس فرانسه گفته مسلمانان اولین گروهی هستند که از ترور یسم آسیب دیده‌اند و تبیین این موضوع در اروپا باید مورد تأکید قرار بگیرد. وی با بیان اینکه ۸۰ درصد قربانیان ترور یسم مسلمان هستند تأکید کرد: بعضی به اشتباه گمان می‌کنند که تنها مسلمانان حمله‌های تروریستی را ترتیب می‌دهند و قربانیان از میان غیر مسلمانان هستند؛ این موضوع به هیچ وجه صحت ندارد. رئیس انجمن قربانیان ترور یسم فرانسه خاطر نشان کرد که بسیاری از مسلمانان قربانی ترور یسم به این همایش بین المللی دعوت شده‌اند تا جهانیان را نسبت به این موضوع آگاه کنند که مسلمانان نیز از قربانیان حملات تروریستی هستند.



ایران همواره موضعی واضح و شفاف در قبال آرمان فلسطین و حمایت از جنبش‌های مقاومت اتخاذ کرده و برای مسجد الاقصی با اعلام روز جهانی قدس جایگاه ویژه‌ای قرار داده است

کرد و در مقابل این دشمن گردن کش یک بازدارندگی محکم ایجاد کرده است.

عاشق سید حسن نصرالله هستم چون او را انسان راستگو و رهبری بزرگ می‌دانم و سخنرانی‌هایش بر روح و جان آدم می‌نشیند. او فرزندش را در راه وطنش تقدیم کرد.

❖ **به نظر شما جوانان هم سن و سال شما آزادی فلسطین را خواهند دید؟**
اجازه بدهید که پاسخ سوال شما را با جمله‌ای از سید حسن نصرالله بدهم.

سید مقاومت گفته بود: «بر اساس منطق و زمان این فرصت را داریم که در قدس نماز بخوانیم» و من می‌گویم ان شاء الله به زودی در قدس نماز خواهیم خواند.

❖ **نظر تان در خصوص جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران چیست؟ چه صحبتی با مردم ایران دارید؟**

حقیقتاً من تا به حال به ایران سفر نکرده‌ام اما امیدوارم در آینده این کار صورت پذیرد، تصاویری که از ایران می‌بینم بسیار زیباست و در اردن فرش ایرانی به کیفیت بالا و رنگ‌های دلنشینش معروف است.

جمهوری اسلامی ایران همواره موضعی واضح و شفاف در قبال آرمان فلسطین و حمایت از جنبش‌های مقاومت اتخاذ کرده و برای مسجد الاقصی با اعلام روز جهانی قدس جایگاه ویژه‌ای قرار داده است.

من از تمام وجود از جمهوری اسلامی و ملت شریف و آزاده ایران بابت این مواضع انسانی تشکر می‌کنم و امیدوارم ملت و دولت ایران با صلابت تحریم‌های ظالمانه را پشت سر بگذارند و آینده‌ای سراسر پیشرفت و امن را شاهد باشند.

❖ **و کلام پایانی:**

در پایان باید بگویم که پیروزی فقط با اراده قوی محقق می‌شود و هزینه مقاومت بسیار کمتر از هزینه تسلیم شدن است.

چون دشمن ما جز زبان زور زبان دیگری نمی‌فهمد، با گوشت و پوست خود با او مقابله کردم تا عریده کشی‌ها و ظلمش در حقم را در هم بشکنم، ترجیح می‌دادم با اعتصاب غذا به شهادت برسم تا در اثر بی توجهی صهیونیست‌ها بمیرم.

در طول اعتصاب غذا سعی می‌کردم از فکر کردن به هر چیزی که اراده من در ادامه دادن به اعتصاب غذا را متزلزل می‌کند خودداری کنم، حتی فکر کردن به خانواده‌ام هم در قاموس مبارزاهم ممنوع بود، تنها چیزی که هر روز به آن فکر می‌کردم فرار از اسارت بود.

در طول اعتصاب غذا به شدت ضعیف شده بودم اما توانستم با این کار صدایم را به رسانه‌ها برسانم، پس از رسانه‌ای شدن ماجرا آنها پیش من آمدند و خواهش کردند که هر چیزی که می‌خواهم بنویسم تا در مقابل آن اعتصابم را بشکنم.

من در پاسخ گفتم که فقط می‌خواهم شناسنامه فلسطینی پدرم را به آن برگردانید و به او اجازه دهید به سرزمین خود سفر کند، هر چند با خواسته من موافقت کردند اما باز هم تا چند روز دست از اعتصاب غذا بر نداشتم.

بدترین چیز در اسارت حضور من و دشمنم در یک مکان بود، این از هر چیزی برایم دردآورتر بود.

حاصل اسارت بیشتر شدن عزم من در مبارزه و مقاومت و اصرار بر عقاید بود. به یاد دارم وقتی که در زندان بودم ۳۵ روز تمام در سلول‌های انفرادی در زیر زمین بودم و هر وقت برایم غذای می‌آوردند سعی می‌کردم با تکه‌های نان روی دیوار بنویسم که تو جز خدا یار دیگری نداری، پس با خدا باش و نترس.

❖ **شما قبل از علاقه تان به سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان صحبت کرده بودید. چرا عاشق سید مقاومت هستید؟ چگونه عاشق سید شدید؟**

چون مقاومت در لبنان بخش اعظمی از وطن خود را آزاد

شد. وقتی که به زندان رسیدم با تمام وجود ظلمات اسارت و وحشت انتظار و دوری از خانه و کاشانه را حس می‌کردم.

اولین بازجویی من در آنجا صورت گرفت، گرچه چشمانم را بسته بودند اما می‌توانستم در راه اتاق‌هایی با دیوارهای سفید رنگ را ببینم، من را به اتاقی بردند و روی یک صندلی نشاندند و سیستم سرمایش را روی کمترین درجه قرار دادند که به شدت احساس سرما کردم.

بازجویی که آمد با سر و صدا به من گفت: «برایم مهم نیست که در فیس بوک چه می‌نویسی، برای من مهم این است که به چه کسی وابسته هستی» و تلاش می‌کردم من را به ارتباط سازمانی با حزب الله لبنان متهم کند. چندین عکس از رهبران حزب الله را پیش رویم گذاشت و فریاد می‌زد: «چند بار با آنها ملاقات داشتی؟» و من هم تمامی اتهامات را رد کردم چون از اساس با هیچ گروه و سازمانی در ارتباط نبودم.

در جریان یکی از بازجویی‌ها ادعا کردند مادر مرا بازداشت کرده‌اند، به بازجویم گفتم این مسئله تعجبی ندارد، می‌دانید چند مادر فلسطینی را در زندان‌های تان اسیر کرده‌اید؟

بارها شده بود از سر شب تا نماز صبح در چندین نوبت بازجویی‌ام می‌کردند و نمی‌گذاشتند چشم‌هایم را روی هم بگذارم، یک بار بعد از سه ساعت فشار سنگین به بازجویم گفتم: این تمام چیزی است که دارم هر کاری می‌خواهی بکن اما من حرف دیگری ندارم.

سپس به زندان مجدو منتقل شدم، در آنجا جاسوسان دشمن نقش اسیر را بازی می‌کردند و طبعاً به هیچ کدام آنها اعتماد نکردم. در آنجا دختران کم سن و سالی را دیدم که همه به حبس‌های طولانی مدت محکوم شده بودند، بر جسم‌های آنها آثاری از ترکش بود، آن هشت روزی که در زندان مجدو بودم از اعتصاب غذا برایم بدتر بود.

❖ **چرا دست به اعتصاب غذا زدید؟ هنگام اعتصاب غذا به چه چیزی فکر می‌کردید؟**



عاشق سید حسن نصرالله هستم چون او را انسان راستگو و رهبری بزرگ می‌دانم و سخنرانی‌هایش بر روح و جان آدم می‌نشیند

اسارت چه تاثیری روی شما گذاشت؟

وقتی تمامی راه‌ها جلوی یک اسیر بسته می‌شود تنها راه موجود پیش روی وی اعتصاب غذا است تا بتواند از حقوق خود دفاع کند و من هم به شخصه هیچ گونه قید و بندی رانمی‌توانم تحمل کنم و عاشق آزادی هستم لذا در زندان دوره بیشتری نداشتم؛ آزادی یا شهادت. از دستور زندانیان هاسر پیچی می‌کردم چرا

شدیدترین فشارها را بر من وارد کردند. ساعت‌های طولانی تحت بازجویی‌های سنگینی بودم، تمام این مدت در سلول انفرادی بایدترین شرایط ممکن زندگی کردم، در طول این مدت از خواب و حمام کردن محروم بود و حریم خصوصی‌ام به عنوان یک دختر همواره نقض می‌شد، واقعا فشارهای سنگینی به من وارد شد.

من برای حضور در مراسم ازدواج دختر خاله‌ام قصد عزیمت به فلسطین را داشتم و صهیونیستها وقتی بازداشت کردند دلایل بازداشت‌م را نگفتند، موقع عبور از مرز اردن به من گفتند تو خرابکاری باید بازداشت شوی! ظاهراً پرونده‌ای برای من ساخته بودند به نام «پرونده سری» که در نهایت مشخص شد که سراسر دروغ و افترا بود. لحظه بازداشت افسر صهیونیست حرفی به من زد که هیچ‌گاه فراموشش نمی‌کنم، او به من گفت: «می‌دانستیم که تو در تاریخ ۲۰/۱۹/۲۰ می‌خواهی به فلسطین سفر کنی و ما با کمال میل منتظر آمدنت بودیم، اگر با ما همکاری نکنی روزهای سختی را خواهی دید». سخت‌ترین لحظه دیدن بی‌تابی‌های مادرم بود که از دور نظاره گرفتار صهیونیستها بود.

سپس یک سرباز زن سعی کرد من را به صورت برهنه بازرسی بدنی کند که با پاسخ تند من مواجه شد اما آنها با زور و فشار نهایت موفق به انجام این کار شدند، چهار بار در طول یک ساعت این کار را تکرار کردند تا من شخصیت دشمنم را بهتر بشناسم و بدانم که در چه سردرگمی و ترسی به سر می‌برد.

پس از بازرسی بدنی، هشت سرباز من را احاطه کردند و مجبور به سوار شدن به خودروی نظامی کردند و به بازداشتگاه بیتا حثیکفادر نزدیکی قدس اشغالی منتقل کردند و با بستن غل و زنجیر به دست و پایم که به شدت برایم سنگین بود من را در سلول انفرادی حبس کردند. بعد از بازداشت اولیه به سوی زندان المسکوبیه منتقل شدم، آنجا چشم‌بندم را باز کردم و لحظاتی از دور قبه الصخره را مشاهده کردم، در اوج بازداشت شادی خود را پنهان نکردم. چند ساعت پس از بازداشت در آنجا سوار جیب شدم که دیدم یک اسیر فلسطینی دیگر در

ماشین حضور دارد، از حضورش خوشحال نبودم چون تظاهر می‌کرد که با اشغالگران مشکل دارد تا شاید من را فریب دهد و یا شاید هم صهیونیستی باشد در هیئت فلسطینی، در هر حال به حضورش اهمیت ندادم.

بعد از سه ساعت ماندن در زندان دوباره من را سوار خودروی نظامی کردند و این بار به زندان بتاح تیکفا در شرق تل‌آویو منتقل شدم و زندانی شدن من آغاز



◀ **فریبکاری و دروغ عجیب دولت نیجریه: شیخ زکراکی خودش می‌خواهد در بازداشت باشد!**

آژانس اطلاعاتی نیجریه مدعی شد شیخ «ابراهیم زکراکی» دبیر کل جنبش اسلامی نیجریه خودش می‌خواهد در بازداشت این آژانس به سر برد و هیچ تمایلی به آزاد شدن ندارد. این در حالی است که حامیان این عالم برجسته این ادعا را رد کرده و خواستار آزادی فوری شیخ زکراکی شده‌اند.

طرفداران شیخ زکراکی می‌گویند اقدامات آژانس اطلاعاتی نیجریه و طرز رفتار مأموران این آژانس با این عالم اسلامی، معایر قوانین نیجریه است. آنان می‌گویند این آژانس اطلاعاتی، به جای حمایت از مردم نیجریه، به ابزاری در دستان سران ظالم و سرکوبگر این کشور تبدیل شده است. آنان می‌گویند: شیخ زکراکی به هیچ وجه بازداشت را بر آزادی ترجیح نمی‌دهد.

دکتر «طلال عتربسی» رئیس مرکز مطالعات سیاسی دانشگاه لبنان در گفت‌وگو با «بیت المقدس»:

هدف از «خلع سلاح مقاومت» افزایش نفوذ آمریکا و تأمین امنیت صهیونیست‌هاست



گروه‌های مقاومت در منطقه از جمله سوریه، عراق، لبنان و فلسطین طی ماه‌های گذشته دستاوردهای زیادی را در نبرد با تروریسم و صهیونیسم محقق ساخته‌اند؛ دستاوردهایی که حتی موجب شده است تا حتی رسانه‌های وابسته به بیگانگان نیز بعضاً راهی جز اذعان به تحقق این دستاوردها نداشته باشند. اکنون و در سایه تحقق این پیروزی‌ها، رسانه‌های وابسته به آمریکا و سعودی دامن زدن به طرح شوم «خلع سلاح مقاومت» را کلید زده‌اند و تلاش می‌کنند تا این طرح را به یک مطالبه از سوی گروه‌های سیاسی در کشورهای مختلف تبدیل سازند. آن‌ها بسیار امیدوارند تا از این رهگذر، احزاب و گروه‌های سیاسی و همچنین مردم را در برابر گروه‌های مقاومت قرار دهند.

در همین ارتباط، «بیت المقدس» گفت‌وگویی را با «طلال عتربسی» رئیس مرکز مطالعات سیاسی دانشگاه لبنان ترتیب داده است که مشروح آن را مطالعه می‌کنید.

▼ **آمریکا پس از کشتن «أبو بکر البغدادی» سر کرده داعش این ادعا را مطرح می‌کند که ایفاگر نقش مهمی در مبارزه با تروریسم است و به همین دلیل باید مدت زمان بیشتری در منطقه باقی بماند. دیدگاه شما در این خصوص چیست؟**

واضح است که هدف اصلی آمریکا از بقای در منطقه مبارزه با تروریسم نیست. این مسأله بر هیچکس پوشیده نیست. آمریکا در طول سال‌های گذشته و در زمانی که مناطق مختلف به جولان گاهی برای تروریست‌های داعش تبدیل شده بودند، هیچگاه به صورت جدی با این گروه تروریستی مبارزه نکرد. برای پاسخ گفتن به اینکه آمریکا دقیقاً به چه علتی در منطقه باقی مانده و می‌خواهد باقی بماند، می‌توان سلسله اظهارات و سخنان خود مقامات آمریکایی را مرور کرد. «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری ایالات متحده صراحتاً اعلام کرد که هدف از بقای آمریکا در منطقه سرعت نفت سوریه است.

آمریکایی‌ها همچنین از رهگذر بقای خود در منطقه تلاش می‌کنند تا مانع از تحقق راهکارهای سیاسی برای حل و فصل مشکلات و بحران‌ها در منطقه به ویژه در سوریه، شوند. شما به نوسان مواضع آمریکا در خصوص بقاء یا عدم بقاء در سوریه نگاه کنید. در ابتداء ترامپ اعلام کرد که آمریکا به طور کامل از سوریه خارج می‌شود. سپس دیدگاهش را تغییر داد و اعلام کرد که بخشی از نیروهای آمریکایی از سوریه

خارج و بخشی دیگر در آنجا باقی می‌مانند. در مرحله سوم، رئیس‌جمهور آمریکا به طور کلی از تصمیم خود منصرف شد و اعلام کرد که آمریکا با هدف بهره‌برداری از چاه‌های نفت سوریه در این کشور باقی خواهد ماند! بنابراین، هر آنچه در خصوص نیت آمریکایی‌ها برای مبارزه با تروریسم از رهگذر بقای در منطقه گفته می‌شود، چیزی جز یک توجیه برای تحقق اهداف از پیش تعیین شده نیست.

▼ **به نظر شما اکنون می‌توان گفت که در عرصه میدانی، دست برتر با گروه‌های مقاومت است؟**

دستاوردها و پیروزی‌هایی که گروه‌های مقاومت در نقاط مختلف منطقه محقق ساخته‌اند، طبیعتاً دستاوردها و پیروزی‌های بسیار مهمی بوده است و شکی در آن نیست. برای پی بردن به میزان اهمیت دستاوردهای محقق شده توسط مقاومت باید به بررسی این مسأله پرداخت که این دستاوردها در چه شرایطی محقق شدند. نکته قابل تأمل در این خصوص این است که چنین دستاوردها و پیروزی‌هایی در شرایطی حاصل شدند که چالش‌ها و تهدیدات در

مقاومت در سایه آن‌ها محقق شد. اما علیرغم وجود تمامی این چالش‌ها و تهدیدات، گروه‌های مقاومت در سراسر منطقه موفق شدند با توسل به دو گزینه «فداکاری‌های بی نظیر» و «تشکیل ائتلاف‌های مهم و سرنوشت‌ساز» دستاوردهای زیادی را خلق کنند.

▼ **مسأله‌ای که همواره وجود داشته و اکنون نیز برخی طرف‌های داخلی در لبنان و همچنین طرف‌های خارجی به آن دامن می‌زنند، مسأله «خلع سلاح مقاومت» است. آیا می‌توان سلاح «حزب‌الله» را جزئی از استراتژی دفاعی در برابر رژیم صهیونیستی تلقی کرد؟**

همانطور که گفتید، اندیشه «خلع سلاح مقاومت» همواره وجود داشته و مطرح بوده است. این مسأله، مسأله تازه‌ای نیست. این مسأله طی سال‌های اخیر به ویژه در لبنان و علیه حزب‌الله مطرح بوده است. اکنون نیز دامنه آن گسترده‌تر شده و به عراق نیز رسیده است و طرف‌های مختلف داخلی و خارجی خواستار خلع سلاح نیروهای «الحشد الشعبی» هستند. در فلسطین نیز وضعیت به همین صورت است و خواسته‌ها و مطالبات مختلفی در خصوص خلع سلاح «حماس»،

امروز دیگر همگان به خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران حتی در سخت‌ترین و پیچیده‌ترین شرایط ممکن از گروه‌های مقاومت در نقاط مختلف منطقه حمایت به عمل آورده است

«جهاد اسلامی» و دیگر گروه‌های مقاومتی به گوش می‌رسد.

به هر ترتیب، واقعیت این است که اندیشه «خلع سلاح مقاومت» چه در سوریه، چه در لبنان و یا عراق، اندیشه‌ای است که هدف آن تأمین منافع و مصالح آمریکایی-صهیونیستی است. هدف اصلی و اساسی از مطرح کردن طرح خلع سلاح مقاومت ایجاد منطقه‌ای عاری از گروه‌های مقاومت است تا در چنین شرایطی نفوذ آمریکادر منطقه افزایش پیدا کند. طبیعتاً است که در این شرایط، امنیت رژیم صهیونیستی نیز بیش از پیش تأمین خواهد شد. اما نکته بسیار مهم و حائز اهمیت در این خصوص این است که گروه‌های مقاومت برای مقابله با اندیشه خطرناک «خلع سلاح مقاومت» چه کاری باید انجام دهند؟ به نظر من

افزایش هماهنگی‌ها، همگرایی‌ها و همکاری‌ها میان گروه‌های مختلف مقاومت در نقاط مختلف منطقه بهترین راهکار برای مواجهه با طرح شوم خلع سلاح است. این یک گزینه استراتژیک است که گروه‌های مقاومت از طریق آن می‌توانند توطئه‌ها برای خلع سلاح خود را خنثی سازند.

▼ **آیا شما نقش ایران در سوق دادن مقاومت به سمت پیروزی‌ها و دستاوردهای بزرگ و سرنوشت‌ساز را تعیین‌کننده ارزیابی می‌کنید؟**

امروز دیگر همگان به خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران حتی در سخت‌ترین و پیچیده‌ترین شرایط ممکن از گروه‌های مقاومت در نقاط مختلف منطقه حمایت به عمل آورده است. این مسأله‌ای نیست که کسی بتواند آن را انکار کند. ایران از گروه‌های مختلف مقاومت در فلسطین، لبنان، عراق و سوریه حمایت‌های گوناگونی به عمل آورده است؛ حمایت‌هایی که زمینه‌ساز تحقق پیروزی‌ها و دستاوردهای بزرگ شد. ایران در زمینه کمک به مقاومت در منطقه قربانی‌های زیادی نیز داده است. مشکل اصلی و اساسی آمریکا با ایران نیز در همین مسأله نهفته است. آمریکایی‌ها معتقدند که حمایت‌های ایران از مقاومت در منطقه موجب به خطر افتادن منافع و مصالح‌شان شده است و درست به همین دلیل است که با ایران اختلاف پیدا کرده‌اند. موضع ایران در قبال رژیم صهیونیستی نیز بر خشم و غضب آمریکایی‌ها از آن افزوده است.

لذا تمامی فشارهایی که علیه جمهوری اسلامی اعمال می‌شود و تمامی تحریم‌هایی که به این کشور تحمیل می‌شود، جملگی به دلیل حمایت‌های همه‌جانبه و تمام‌قد تهران از گروه‌های مقاومت، صورت می‌پذیرد. از همین روی، شاهد آن هستیم که آمریکا و متحدان آن در کشورهای حاشیه خلیج فارس تمام تلاش خود را برای ایجاد هرج و مرج در ایران به کار بسته‌اند. در واقع، آن‌ها جامعه ایران را هدف قرار داده‌اند و تلاش می‌کنند تا ناامنی را به داخل ایران بکشند. این تلاش آمریکایی‌ها و متحدانشان در حالی صورت می‌گیرد که آن‌ها از انجام عملیات نظامی علیه تهران عاجز ماندند و نتوانستند در این زمینه کاری پیش ببرند. در هر صورت، ایران اساس محور مقاومت در منطقه محسوب می‌شود و مرکزیت این محور را تشکیل می‌دهد. امروز همگان اذعان دارند که دستاوردها و پیروزی‌های محور مقاومت حاصل نقش محوری ایران است.

روزهای آشفته در غرب آسیا



در سال ۱۹۸۲ به عنوان یک جبهه مقاومت در برابر اشغال اسرائیل شکل گرفته و در سال ۱۹۹۶ به بخشی از سیاست لبنان تبدیل شده است. بحران اقتصادی که در ماه‌های اخیر شدت گرفته، دولت لبنان را بر آن داشته تا اقدامات ریاضتی را بر درآمد مردم و نه درآمد خود در پیش گیرد. این در حالی است که دولت از مبارزه با فساد بانک‌ها، بازارگانان اصلی و سیاستمداران (حال و سابق) خودداری می‌کند. در هفدهم اکتبر، دولت مجموعه‌ای از مصوبات را در بودجه ملی سال ۲۰۲۰ وارد کرد که شامل مالیات‌های بیشتر در مورد سوخت، ارتباطات (مالیات مربوط به تماس‌های اینترنتی) و سایر موارد است. این اقدامات باعث خشم مردم شد و مردم در اعتراض به اقتصاد روبه‌زوال کشور، سیاستمداران فاسد و سیاست‌های بانک مرکزی در خیابان‌ها به اعتراض پرداختند.

خودلبنانی‌ها نیز از مداخله خارجی در قیام می‌ترسند، مشابه آنچه در عراق و ایران اتفاق افتاده است. باین‌وجود پیچیدگی جامعه لبنان و آگاهی از اینکه مشکل اصلی نظام بانکی و سیاستمدارانی است که از آن محافظت می‌کنند، مانع بزرگی است که در مقابل هر گونه مداخله خارجی که قصد انحراف اهداف اعتراضات را داشته باشد، به‌خوبی عمل می‌کند.

در سطح سیاسی، جناح‌های سیاسی تا به امروز به درخواست‌های معترضان در خصوص اصلاحات و بازخواست سیاستمداران، بانکداران و بازارگانان فاسد پاسخ ندادند. این موضوع باعث خشم در بین معترضان شده است؛ چراکه گویی سیاستمداران در غفلت از آنچه بیش از یک ماه در خیابان‌ها اتفاق افتاده، زندگی می‌کنند.

خاورمیانه در اثر مداخله خارجی و مداخله پنهان اسرائیل در امور ملل عرب تاکنون روی آرامش به خود ندیده است. در این میان رهبران عرب نیز به‌نوبه خود در خدمت به منافع «اسرائیل» در از بین بردن سایر ملت‌ها (مانند یمن، سوریه و مصر) و خاموش کردن صدای ملت‌هایی که علیه امپریالیسم و سیاست‌های صهیونیستی (در بحرین، مناطق شرقی عربستان سعودی و کرانه باختری در فلسطین اشغالی) فریاد بلند کرده‌اند، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند.

کردند بر موج اعتراضات سوار شوند. باین‌حال، با توجه به احساسات منفی مردم نسبت به احزاب سیاسی حاکم، این تلاش‌ها محدود به مناطقی بود که آن احزاب غالب هستند؛ مانند گروه‌های راست مسیحی کتائب لبنان به رهبری سامی الجمیل، قوات اللبنانیه به سرپرستی سمیر جعجع و همچنین حزب سوسیالیست ترقی‌خواه به رهبری ولید جنبلاط. نقطه مشترک سه رهبر سیاسی این است که آن‌ها متعلق به بلوک ۱۴ مارس هستند؛ یک ائتلاف سیاسی ضد سوری و ضد ایرانی در لبنان. همچنین هر سه به عنوان رهبران شبه‌نظامیانشان در جنگ داخلی که در ۱۹۷۵ فوران کرد و در ۱۹۹۰ به پایان رسید، شرکت داشتند.

دلایل این تظاهرات دهه ۵۰ برمی‌گردد؛ درست زمانی که آشفته‌گی سیاسی در لبنان بین جناح‌های مختلف سیاسی باعث جنگ داخلی شد و این به‌نوبه خود کشور را به کیک‌ی تبدیل کرد که فرماندهان شبه‌نظامی فرقه‌ای و رهبران سیاسی به دلخواه آن رامی‌پریدند و تلاش می‌کردند تنها منافع شخصی و یافرقه‌ای خود را دنبال کنند. با پایان جنگ داخلی در سال ۱۹۹۰ نظامی در لبنان شکل گرفت که دچار اقتصادی فاسد و مبتنی بر یک سیستم اقتصادی سرمایه‌داری بود و تنها ثمره‌اش مکیدن پول از مردم بدون ارائه خدمات مناسب درازای آن بوده است؛ خدماتی در عرصه‌های برق‌رسانی، سیستم آب آشامیدنی برای خانه‌ها، حمل‌ونقل عمومی و ترمیم جاده‌ها (۵٪ از جاده‌ها در لبنان برای رانندگی مناسب است).

علاوه بر آن، بانک‌های لبنان از سوی بانک مرکزی اداره می‌شوند که از سال ۱۹۹۳ تحت مدیریت «زیاد سلامه» بوده است. این بانک‌ها که از نظام سیاسی برای کسب سودهای کلان بهره برده‌اند، بدهی ملی لبنان را به ۱۰۳ میلیارد دلار افزایش داده‌اند. موضوعی که به‌نوبه خود سبب افزایش هزینه‌های زندگی عمومی می‌شود آن هم درحالی که دستمزدها پایین است (بیروت یکی از گران‌ترین شهرهای عربی است). همچنین شایان ذکر است که ایالات متحده برخی از چهره‌ها و بانک‌های لبنانی را به‌بهانه حمایت از حزب الله، تحریم کرده است. آمریکادر حالی حزب الله را گروهی تروریستی می‌خواند که حزب الله

ایرانی در عراق دستگیر شد که از امارات (فرانسه) اقدام به اجرای طرحی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌کرد. وی اعتراف کرد که برنامه‌هایی در دست اجرا هستند که توسط آمریکا حمایت و اجرایی شوند و از طریق امارات متحده عربی برای ایجاد اختلال در نظم در ایران، عراق و لبنان مورد استفاده قرار می‌گیرند. این برنامه‌ها در نظر دارند تا اعتراضاتی که ماهیتاً بر حق هستند (اصلاحات اقتصادی) عملابه هرج و مرج بکشند و بعداً در اختیار ایالات متحده قرار دهند؛ سیاست‌هایی مانند سرنگونی نظام‌های ضدآمریکایی با توجه به شرایط خاص هر کشور، به‌خصوص در ایران. تاکنون نمونه‌هایی از این سیاست‌ها را شاهد بوده‌ایم، به‌ویژه زمانی که برخی گروه‌های معترض عراقی دفاتر برخی سفارت‌ها را در چندین شهر به آتش کشیدند و

یکی از مهم‌ترین نقطه‌های تغییر سیاست ایالات متحده در قبال عراق، باز شدن نقطه مرزی بوکمال بود که با عبور از بغداد و دمشق می‌توانست یک مسیر تجاری از تهران به سمت بیروت باز کند

همچنین علیه مقامات ایرانی شعارهای تند را سر دادند. نشانه‌هایی از همین سیاست‌ها در اعتراضات اخیر ایران در چندین منطقه مشاهده می‌شود که مورد حمایت شدید آمریکا، گروه‌های مخالف افراطی مانند منافقین و خانواده سلطنتی پهلوی قرار گرفته است. منابع اطلاعاتی گزارش داده‌اند که نچيروان بارزانی، رئیس‌جمهور اقلیم کردستان عراق، به مأموران اطلاعاتی دو کشور گفته که گروهی با مدیریت یک کشور خارجی در سلیمانیه عراق فعالیت می‌کنند که با اداره برخی از گروه‌های آشوبگر در بصره و بغداد، سعی در متشنج کردن شرایط میان معترضان و پلیس ضد شورش می‌کنند.

در لبنان، چندین دهه فساد بی‌ثباتی سیاسی، مشکلات امنیتی، مداخله‌های خارجی، تلاش اجتماعی و آشفته‌گی اقتصادی باعث شده تا مردم علیه حکومت دست به اعتراض بزنند؛ جایی که برخی از گروه‌های سیاسی برای به دست آوردن حمایت مردمی سعی



خاورمیانه برای دهه‌ها دچار آشفته‌گی بوده و همواره از مداخله خارجی، سوءمدیریت داخلی و بی‌ثباتی منطقه‌ای رنج برده است. آنچه امروز شاهد آن هستیم در واقع ترکیبی از این سه معضل در کشورهای عربی است که به موضوع داغ این روزها تبدیل شده است.

در فلسطین، درگیری‌های اخیر میان نیروهای مقاومت و رژیم اشغالگر قدس برای بار دیگر ثابت کرد که مقاومت قادر است بر اسرائیل فشار وارد کند و هر گونه سوءقصدی را پاسخ دهد؛ مانند آنچه در پاسخ به ترور یکی از فرماندهان جنبش جهاد اسلامی یعنی علاء ابو العطا در غزه انجام گرفت. مقاومت فلسطین با هر هم‌زدن ثبات موقتی که به وجود آمده بود، این اقدام اسرائیل را سریعاً تلافی کرد.

در عراق، اعتراضات بزرگی ادامه دارد تا ثبات کشوری را بر هم زند که از فساد سیاسی و مداخله خارجی رنج می‌برد و اخیراً از شر جنگ ویرانگری با تروریسم بین‌المللی که در داعش مجسم شده بود، رها شده است. این شکست به دست نیروهای نظامی و بسیج مردمی عراق بر داعش تحمیل شد. عراق پس از سرنگونی صدام حسین، هنوز نتوانسته در عرصه‌های خدمات و بهبود شرایط اقتصادی آن چنان که باید گام بردارد. این اعتراضات، اگرچه با هدف اصلاحات اقتصادی، مبارزه با فساد و بهبود خدمات و زیرساخت‌ها آغاز شد، اما پس از چندی به وسیله برخی گروه‌های دیگر دزدیده شد. گروه‌هایی که هدفشان سرنگونی

نظام سیاسی‌ای است که با مطالبات متعدد ایالات متحده مبنی بر قطع روابط با ایران و سوریه و همچنین عدم بهبود روابط دوجانبه با روسیه و چین، راه مخالفت در پیش گرفت.

یکی از مهم‌ترین نقطه‌های تغییر سیاست ایالات متحده در قبال عراق، باز شدن نقطه مرزی بوکمال بود که با عبور از بغداد و دمشق می‌توانست یک مسیر تجاری از تهران به سمت بیروت باز کند؛ بنابراین آنچه به‌عنوان ستون فقرات «محور مقاومت» شناخته می‌شود، بخشی از ائتلاف منطقه‌ای است که مانعی در برابر سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا محسوب می‌شود. البته این بدان معنا نیست که افراد صادقی وجود ندارند که هدف اساسی‌شان انجام اصلاحات در کشور باشد؛ اما خشونت شدید عراق در روزهای گذشته نشان داد که در این میان گروه‌هایی وجود دارند که هدفشان نه اصلاحات، بلکه فقط گسترش آشوب است. حدود یک ماه قبل، یک روزنامه‌نگار صاحب نفوذ



تقدیم به بچه های یمن

زامید محموداف

می پرسی از من اهل کجایی؟
بگویم از یمن باور می کنی
بگویم آیا همه قبیله ام تار و مار شده اند
نگهبان و یاور من خواهی بود؟
یا نه
مثل بقیه سکون می کنی
و مثل سایه ها که از خور شید فرا می کنند
یا مثل راه ها که به وطن می رسند
کج می شوند
مثل جاده ها که وقتی به وطن می رسند
به دره ختم می شوند
مثل ماهی رنگین کمان در توریم همین جاو
همان جا
ما بچه های فلسطینی مرگمان در تولدمان
رقم می خورد

خیلی دور خیلی نزدیک



در حالی که غربی ها و مؤسسات عریض و طویلشان ارتش اشغالگر رژیم صهیونیستی را چهارمین نیروی نظامی دنیا معرفی می کند، نظامیان این کشور از کودکان بی سلاح فلسطینی هم واهمه دارند و در حال حاضر ۲۱۰ کودک فلسطینی در زندان های رژیم صهیونیستی اسیر هستند.



خاطرات تبلیغ اسلام در گوشه ای از آفریقا



از ضرورت های جهان امروز و دنیای پریهاوی کنونی، تبلیغ است. البته اکنون تبلیغ و دعوت به اندیشه و مذهب مورد نظر، اختصاص به اسلام ندارد و بسیاری از مکاتب بشری و فرق انحرافی هم تلاش های گسترده ای برای جذب مردم و افزایش هواداران خود انجام می دهند. اقداماتی که گاهی با دشواری های بسیار و صرف هزینه های زیاد صورت می گیرد و انسان متخیر می ماند که اگر آنان برای دیدگاه انحرافی و شرک آلود خود اینگونه خود را به آب و آتش می زنند چرا نباید برای تبلیغ مذهب حقه تشیع شب از روز نشناسیم؟

کانال تلگرامی «یادداشت های یک مسافر» اختصاص به نوشته های طلبه جوان آقای «ابوالفضل صبوری» دارد که برای دعوت به تشیع و تقویت مبانی شیعیان، تبلیغ در فضای بین الملل را برگزیده است و با مسلح شدن به ابزار دانستن زبان خارجی، توانسته توفیقات قابل توجهی را در این زمینه کسب کند. بخش عمده مطالب کانال را خاطرات تبلیغ فرامرز در لهستان، نیوزیلند، نامیبیا و... تشکیل می دهد و نویسنده که اکنون به مناسبت ماه مبارک رمضان در شهر ویندهوک پایتخت کشور نامیبیا به سر می برد روزانه در چندین نوبت خاطرات خود و اتفاقات روزانه را در مسیر فعالیت های دینی و تبلیغی در کانال منتشر می کند. برای دسترسی به این کانال باید از لینک https://t.me/zamzam_ir استفاده کرد.



شهید راه دفاع از حریم انقلاب اسلامی



«شاهری برای حریم» عنوان چهارمین کتاب از مجموعه آثار مدافعان حرم می باشد که به قلم سمانه خاکبازان به رشته تحریر در آمده است.

این اثر ارزشمند به شرح احوالات شهید مدافع حرم «حمید اسدالهی» از تولد تا شهادت می پردازد.

شهید حمید اسدالهی یکی از شهدای جوان مدافع حرم است که در سال ۹۴ و در جریان آزادسازی شهر استراتژیک خان طومان سوریه به شهادت رسید. در این کتاب پدر، مادر، همسر و دوستان شهید به بیان خاطرات خود از دوران کودکی تا لحظات شهادت او می پردازند.

آنگونه که در این کتاب می خوانیم شهید اسدالهی شهدای مدافع حرم را در حقیقت شهید مدافع حریم انقلاب اسلامی می دانست و در تمام عمر ارزشمند و کوتاه خود در تلاش بود که از حیثیت انقلاب اسلامی دفاع کند و در این امر همواره پیش رو و ثابت قدم بماند و خود را سرباز امام ولی زمامش بداند. از فعالیت های انقلابی در مسجد موسی بن جعفر (ع) تا راه اندازی گروه جهادی بنیان مرصوص گرفته و از انتخاب رشته ادبیات عرب در دانشگاه (جهت ارتباط با دیگر مسلمانان) تا ساماندهی زائران پیاده روی اربعین و نهایتاً حضور در میان مدافعان حرم برای دفاع از حریم اهل بیت و انقلاب اسلامی که با شهادت او امضا می شود.

شاهری برای حریم در ۱۹۲ صفحه و در قالب ۹ فصل از سوی انتشارات روایت فتح به چاپ رسیده است.



محصولی ایرانی برای لبنانی ها



«ریسمانی نزدیک تر از رگ» محصول مشترک ایران و لبنان و تولید سال ۱۳۹۰ است. این فیلم به کارگردانی مسعود اطیابی و نویسندگی جعفر حسینی است. محل فیلمبرداری این فیلم در لبنان و بازیگران آن غیر ایرانی هستند.

خلاصه داستان این فیلم بدین شرح است: در جنوب لبنان، ابو هانی، پیرمرد کشاورز بر لبه دره ای سرسبز خانه ای نو برای خانواده اش بنا کرده است. او طرفدار مقاومت بوده و پسرش توسط اسرائیلی ها شهید شده است. با اشغال جنوب، خانه به دست دشمن می افتد و تبدیل به مقر نظامی آنان می شود. پیرمرد که نمی تواند از خانه اش دل بکند، به عمارت کهنه و متروکه پدری در سمت دیگر دره نقل مکان می کند. حالا کار هر غروب او این شده که روی چهار پایه چوبی، در بالکن خانه قدیمی بنشیند، به سیگارش پک بزند و نگاه حسرت بارش را به خانه اشغال شده و سربازان درون آن بدوزد...

این فیلم در بخش بین المللی سی امین جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد و برنده دو جایزه شد. جعفر حسینی برای این کار برنده سیمرغ بهترین فیلمنامه بخش بین المللی سینمای سعادت شد. همچنین جایزه بهترین فیلم از همین بخش به تهیه کنندگان آن رسید. این فیلم اقتباسی از داستان کوتاه «حبل کالورید» نوشته «عبد القدوس الامین» است. عبد القدوس الامین از نویسندگان برجسته لبنانی در حوزه ادبیات مقاومت است که تاکنون چند کتاب از وی به فارسی ترجمه شده است.